

بسم الله الرحمن الرحيم

ادب شکست



قریب به ۲ ماه و نیم از دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری می‌گذرد. با این حال تبعات شکست جریان اصول گرا همچنان دیده می‌شود. برخی از رفتارهای این جریان از جمله عجله برای باز تولید چهره‌ی خود توسط برخی سلبیریتی‌ها، نکوهش کردن انتقادهای

مستقیم به دولت روحانی، صدور فرمان آتش بس یک طرفه و ... را باید تبعاتی از این شکست دانست. آخرین و یکی از مهم‌ترین این رفتارها نامه‌ی دکتر محمد باقر قالیباف بود که در آن سخن از نو اصولگرایی برد. فارغ از درست یا غلط بودن محتوای نامه و جدا از تطبیق یا عدم تطبیق برخی رفتارها از جمله حمایت‌های بی حد و حصر از برخی چهره‌های پر حاشیه؛ در این نوشتار سخن کوتاهی در بایسته‌های رفتاری به هنگام شکست خواهیم داشت و از آن تحت عنوان ادب شکست یاد می‌کنیم تا شاید بتوان تبعات این شکست را برای جریان اصولگرایی کاهش داد:

۱- شکست به معنای تغییر در ماهیت نیست

آنگاه که از انتخابات سخن می‌گوییم از پیروزی و شکست تاکتیک‌های تبلیغاتی سخن می‌گوییم و نه توفیق و یا عدم توفیق گفتمان‌ها. آنگاه که توجه همه‌ی جریان‌ها و مردم به مناظرات زیاد است، آنگاه که همگان اذعان دارند به احتمال قریب به یقین پیروز مناظرات پیروز انتخابات خواهد بود، آنگاه که در ایام انتخابات از پوشش نامزد تا تن صدا و محتوای سخنرانی وی برای همگان مهم است یعنی آنکه انتخابات عرصه‌ی تبلیغات است و نه صحنه‌ی به رخ کشیدن گفتمان‌ها و هویت‌ها. از این رو پیروز و یا شکست خورده‌ی آن تنها پیروز و یا شکست خورده در عرصه‌ی تبلیغات است. این البته به معنای نادیده انگاشتن تاثیرگذاری سیاست‌ها، مواضع، رفتار و ... جناح‌ها در خارج از ایام انتخابات نیست بلکه بدان معناست که باید باور شود که مردم به هویت و گفتمان رای نمی‌دهند بلکه قاطیه‌ی آنچه برای رای دهندگان مهم است تبلیغات است. برای همین سخن از مفاهیمی چون بازاریابی سیاسی در سال‌های اخیر پررنگ شده است. درک این نکته‌ی بسیار ساده سبب می‌شود تا احساس سرخوردگی از جریان اصولگرایی خارج شده و حرکت اصلاحی خود را از اصلاح در ماهیت و گفتمان به سوی اصلاح در تاکتیک‌ها تغییر دهند.

۲- جبران شکست با اصلاح خود است. اما اصلاحی که با ماهیت شما سازگار باشد.

ابتدای جبران شکست اصلاح از درون است. این را جریان اصولگرایی به خوبی درک کرده است. با این حال آنچه از این اصلاح در روزهای اخیر دیده می‌شود حرکت اصلاحی بر خلاف ماهیت و گفتمان است. آنگاه که حرکت‌های اصلاحی خلاف گفتمان و ماهیت باشد دو نتیجه‌ی عمده به همراه دارد نخست سردرگمی بدنه‌ی جریان و دوم نیز عدم باورپذیری اصلاح از جانب مخاطبان. توضیح آنکه، اصولگرایی نزد جامعه به معنای پایبندی به ارزش‌های انقلابی تعریف می‌شود حال اگر در بازسازی چهره‌ی اجتماعی، به سراغ رفتارهایی که با ارزش‌های انقلابی سازگاری ندارد حرکت کنیم بی‌شک مردم و مخاطبان اصلاح را باور نکرده و نه تنها آن را رد کرده بلکه به معنای دروغ و تزویر می‌پندارند. رفتارهایی که طی چند روز گذشته در مواجهه با خواننده‌ای جوان و مجری صدا و سیما صورت گرفته است گویای این مساله است. هدف افرادی که چنین رفتارهایی می‌کنند جذب نظر مردم و به خصوص جوانان است اما این نکته را نادیده گرفته‌اند که آنگاه که تغییر رفتار ساختگی و منطبق با سابقه و هویت نباشد بیش از هر چیزی احساس قدرت طلبی به جامعه منتقل می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که جذب حداکثری و قبول تائید بسیار امر مطلوبی است اما این به معنای قرار دادن تائب به عنوان امام جماعت نیست. (در این خصوص در نوشتار بعدی بحث خواهد شد).

۳- جمع نیروها، توان بخشی و امید بخشی نقش مهمی در احیا دارد (موتور محرکه)

مهم‌ترین اثر احتمالی شکست از هم پاشیدگی جریان است. به این معنا که شکست احساس انزوا، احساس ناتوانی و ... را به همراه خود می‌آورد. بزرگان و صاحبان تجربه باید سعی کنند با نشان دادن قوت جریان این حس را از حامیان و بدنه‌ی خود سلب کرده تا امکان حرکت همچنان وجود داشته باشد. این نکته را می‌توان با تاسی به دستورات انقلابی مقام معظم رهبری پس از انتخابات به خوبی درک کرد. بازسازی روحیه‌ی موتور محرکه‌ی هر جریانی به معنای امکان ادامه‌ی حیات است. اگر این بازسازی صورت نگیرد امکان حرکت از جریان سلب می‌شود حال باید این نکته را گوشزد کرد که مهم‌تر از بازسازی تصویر بیرون بازسازی روحیه و توان داخلی است. بنابراین حمایت از حرکت‌های انقلابی جوانان انقلابی را باید دستور کار قرار داد. امری که با فرمان آتش به اختیار رهبری نیز سازگار است.

۴- برنامه ریزی بلند مدت

جریان اصولگرایی شکل گیری و تداومش بر اساس تهدید محوری بوده است. این خطر جدی‌ای برای جریان مذکور است. این صفت سبب شده است تا جریان اصولگرایی امکان اتخاذ برنامه‌های بلند مدت برای پیروزی در انتخابات‌ها را نداشته باشد به عنوان مثال جریان اصولگرایی توان چهره سازی برای پیروزی در انتخابات‌ها را ندارد. این در حالی است که این جریان چهره‌های اندیشه‌ای و ارزشی از یک سو و چهره‌های موفق اجرایی از سوی دیگری دارد، چهره‌هایی که مشابه آن کم‌تر در میان جریان اصلاح طلب دیده می‌شود. معرفی چهره‌های نو، معرفی کارنامه‌ی درخشان اصولگرایی، زدودن گره‌های ذهنی جامعه از جریان اصولگرایی در بازه‌ی بلند مدت همه از مواردی است که نیاز به برنامه‌ریزی از اکنون برای پیروزی در انتخابات‌های دیگر دارد. تصویر کنونی اصولگرایان حضور ادواری (تنها در ایام انتخابات) در میان مردم است. این تصویر با نگرش بلند مدت و فاصله از نگاه تهدید محوری حل می‌شود.

۵- مایوس نشدن و امید به رحمت الهی

نوشتار مختصر حاضر را با این نکته به پایان می‌رسانم که نصرت الهی گاه آنگاهی نازل می‌شود که احساس بر عدم پیروزی جریان مومنین را می‌گیرد: **حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ** (۱۱۰) تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده یاری ما به آنان رسید پس کسانی را که می‌خواستیم نجات یافتند و [لی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد (۱۱۰) آنچه در این رابطه مهم است آن است که این احساس به سوی تغییر در ارزش‌ها با این باور که مورد استقبال مردم قرار گیرد منحرف نشود. زیرا **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** (محمد/۷) اگر (دین) خدا را یاری کنید او هم شما را یاری می‌کند

